



۲۰۱۹/۱۱/۱۲

محمد داؤد مومند

## تفتین و اغواگری های نشراتی افغان جرمن از پرنسیپ های نشراتی



### قسمت اول

به تاریخ سوم ماه اکتوبر افغان جرمن از قول شاعلی قیس کبیر نوشته ای را تحت عنوان «در حیرتم که آقای نوری چرا اینطور نوشت» در ویب سایت سردار پرستان نشر نمود. این جانب در طول سالیان متمادی به حیث یک همکار قلمی غیر منسلک، با وبسایت افغان جرمن، همکاری قلمی داشتم، آنچه می نوشتم و آنچه می گفتم، به حکم وجدان و متکی به شعور ملی بود. خدا شاهد است که من همواره در ارائه نظریات و طرز تلقی خود به ارتباط مسائل مربوط به کشور و ملت افغان، هیچگاه، از پرنسیپ دیانت و حکم وجدان تخطی نوریده ام، اگر از کودتای سرطانی سردار صاحب مرحوم، نفرت خود را ابراز کرده و یا از دوره اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، بخصوص دوره مشروعیت و اصالت قانون اساسی و ارزش های انسانی مضمحل در آن قانون بعد از دوره غازی امان الله خان و نظام نامه هایش، حمایت نموده ام و حمایت خواهم نمود، صرف و صرف روی انگیزه حق بینی و حق گرایی بوده، هیچگونه احساس و انگیزه ذاتی و انفسی در آن متداخل نمی باشد. خانواده ام برعکس یک عده فامیل ها در هیچ دوره از کدام امتیاز خاصی برخوردار نبوده که صداقت نظرم را مشوب بسازد، مانند فامیل های معزز و مقتدر و مفخم ..... که در وقت و زمانش حکومت می چلانند. این جانب برخلاف تمام آن ذواتی، که امروز مانند انقلابی های دو آتشه چپ، سایه شاه مغفور را [نامردانه] به سنگ می زنند ولی اگر در دوره دهه دیموکراسی، ملاقات اعلیحضرت برای شان میسر می شد، دست ها چه که پاهای شاه مرحوم را نیز می بوسیدند، در دوره دهه دیموکراسی مضامین انتقادی بر طرز حکومت داری و دیموکراسی آن دوره نوشتم.

حتی یک شعر انقلابی به اقتفای شعر علامه داکتر اقبال، که می فرماید:

## خواجه از خون رگ مزدور سازد لعل ناب از جفای ده خدایان کشت دهقانان خراب

### انقلاب انقلاب ای انقلاب

نوشتم و آن را به مرحوم شهزاده شاه محمود دادم، که طبعاً کاری بود بازی کردن با حیات، شهزاده چندی بعد دعوتی در کاریز میر ترتیب داد و اعلیحضرت تشریف آوردند، که فوتوی آنرا در پایان می بینید:



اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان با عده ای از استادان و شاگردان لیسه حبیبیه در کاریز میر

اعلیحضرت ضمن صحبت اشاره به آن شعر من نمود، اعلیحضرت به شهزاده شاه محمود توصیه نموده بود که با همین هم صنفی خود به رفاقت خود دوام بده، خوشبختانه کوچکترین اذیتی از جانب شان به ارتباط حماقت خود که همچو نظمی را به شهزاده سپرده بودم، ندیدم.

واقعاً اعلیحضرت به تناسب، شاهان و زعمای کشورهای منطقه و اسلامی، یک پادشاه عادل و مهربان بود. سؤال من این است، کجا بودند این ذواتی که امروز بر برخی از مواد قانون اساسی سال ۱۹۶۴ و پروگرام های اقتصادی، و طرز کار و فعالیت حکومت آن دوره، صداهای بی وقت بُروز می دهند، آنانی که در آن زمان مانند سنگ خاموش بودند.

سردار پرستان اقتضایی جیون افغان جرمن، چرا در همان زمان به حمایت سرور و سردار شان، در اخبارهای غیر دولتی آن ماده قانون اساسی را که اعضای خانواده شاهی منجمله سردار شان را از حکومت داری محروم ساخت اعتراض نکردند و حتی یک کلمه در حمایت سردار نگفتند و ننوشتند، سردار پرستان جیون چرا حاضر نشدند که در سال حد اقل یک میتنگ در حمایت سردار شان دائر کنند و یا حد اقل در مظاهرات پوهنتونی حتی نامی از سردار ببرند.

### گویند قدر عافیت را کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.

این جانب، احساس حرمتی که امروز به پادشاه در خاک خفته را دارم، در وقت سلطنتش نداشتم، زمانیکه طاعون کودتاهای ساری با شروع کودتای سرطانی بر خاک و ملت محکوم و مظلوم ما مستولی شد، و اراده شخصی، مقام بالاتر و والاتر از دساتیر قانون یافت، قدر دوره آزادی خواهانه نسبی دهه دیموکراسی و فضایی که در آن مجال تنفس سیاسی، ممکن و میسر بود، به قدر و قیمت دوره دهه دیموکراسی مستشعر گشتم و به ارواح پاک کسانی که در به ثمر رسانیدن آن آرزو ها و تمنات انسانی و بشری کوشیدند درود اسلامی فرستادم و می فرستم.

جای نهایت تأسف است که نو جوانان و ذواتی مانند بناغلی قیس کبیر، ابراز ارادت و عقیدت هم وطنان خود را به قهرمان معرکه تل و نجات کشور از تبهکاران کلکانی و هم چنان پادشاه فقید اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، به فکر خام و طفلانه خود تهوع آور تلقی می کند، چه این ابراز ارادت در زمینه از طرف محترم ولی احمد نوری و یا محترم جناب استاد باری جهانی و یا این جانب محمد داؤد مومند، و یا دیگران، صورت پذیرفته شده باشد.

ولی آنچه در مورد سرور و سردار شان از جانب سردار پرستان به سویه مدیحه سرایان دربار قزل ارسلان غلو آمیز می شنوند، حیثیت ترنم تار موسیقی را به سامعه شان داشته و آن را از ردیف اصطلاح بیمورد و ناموزون شان یعنی «تهوع آور» مستثنی قرار میدهند.

اگر ابراز عقیدت و ارادت به قهرمان نجات کشور یا پدر دهه دیموکراسی یعنی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که حق طبیعی هر فرد خُر و آزاد است تهوع آور تلقی گردد لذا نوشته ها و ادعاهای سردار پرستانه سردار پرستان افغان جرمن نیز باید تهوع آور و مکروبی قلم داد گردد و نباید از منطق یک بام و دو هوا، در مورد، کار گرفت.

واقعیت امر این است که بناغلی قیس کبیر در انتخاب کلمات، فکر کوتاه دارد و نمی داند که مدعای انتقاد و اعتراض خود را با کدام الفاظ و کلمات ابراز نماید.

زیرا ابراز ارادت به شاهان متذکره و یا قصاید سردار پرستی را میتوان به مفاهیم و کلمات زیاده روی، مبالغه و یا اغراق، تلقی و توجیه کرد، نه تهوع آور و یا الفاظ مماثل آن.

اگر بناغلی قیس کبیر فکر می کند که ابراز ارادت به سپه سالار محمد نادر خان و یا اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تهوع آور است، لطفاً مثال های همچو نوشته های تهوع آور را در مضامین منتشره محترم ولی احمد نوری، جناب محترم بناغلی باری جهانی و یا این جانب محمد داؤد مومند و ذوات محترم دیگر، در یک مضمون مستدل انعکاس داده تا باشد استعمال کلمه تهوع آور ایشان صائب و آنچه ارادت مندان سپهسالار غازی محمد نادر خان و اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در مورد، نوشته اند، مبتنی بر اصطلاح خودشان تهوع آور بوده است.

چند سال پیش یک هم وطن روشن ضمیر به نام بارکزی صد دلیل در حمایت زعامت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در افغان جرمن به دست نشر سپرد، اگر آن نوشته به اصطلاح ناموزون قیس جان کبیر تهوع آور بود، چرا قیس جان حتی به سویه یک پاراگراف در دریچه خود بر آن صدها دلیل، معترض نشد و به اصطلاح معمول خودش که آن را دو سال قبل در مورد محترم عباسی استعمال کرده بود، خود را «غلی» گرفت.

### آیا ممکن است در زمینه توضیحی بشنوم؟

قیس گرامی بخواند و بداند که نوشته های گنبدیده، مکروبی، متعفن و تهوع آور واقعی، همان لجن، اتهامات، اهانت ها، هتاکی ها، بی حرمتی ها، تعرضات به حریم شخصی افراد، زیر پا کردن اصول اخلاق مطبوعاتی و مطالب ضد کرامت انسانی و مناشیر اسلامی و شوون افغانی، و امثالهم می باشد که چه در نوشته های دریچه و چه در قسمت مضامین افغان جرمن انباشته شده و استشمام میگردد.

مگر همین دریدن ناموس قلم نبود که یک ریش سفید محترم و خدمتگار صادق وطن و یک دانشمند بسیار غنیمت در دیار غربت یعنی مرحوم داکتر سید خلیل هاشمیان را مجبور بمقاطعہ ابدی با افغان جرمن ساخت؟

### مگر چنین نیست قیس گرامی؟

\*\*\* \*\*

### پایان قسمت اول

یادونه:

که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی معززی لیکونکی مقالی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخور باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کری!